



کلیسا و همکیشی

در این مقاله می بینید که مدعیان محبت چگونه بخاطر جاه طلبی و تحکیم موقعیت خود حتی به همکیشان خود رحم نکردند .



اریلب کلیسا برخلاف تعالیم کتابهای مسیحیت ، که " آنهارا به محبت به یکدیگر وعدم مقاومت حتی در برابر دشمن فرمان می دهد " از کشتار بیرحمانه انسانهای بیگناه بلکه همکیشان مسیحی خویش نیز ابا نکردند .

پدران روحانی که اینک با شعار محبت و ماسک نوع دوستی می خواهند پرده بر جنایات شرم آور تاریخی خود بکشند ، دستشان تا مرفق در خون انسانها حتی مسیحیان همکیشان رنگین است . گرچه در آینده خواهیم دید که هنوز هم رهبران کلیسا در آدمکشی و همکاری با سازمانهای جنائی جهان و مقدمه بودنشان برای خونریزی های استعمارگران بین المللی چه نقش مهمی را بازی می کنند؟ لیکن پیش از آن ضروری است نظر خواننده را (درنگاهی کوتاه) به برادرکشی های زمامداران کلیسا جلب کنیم .

قتل عام مسیحیان در "آلبی"

در قرن دوازدهم در " آلبی" ^۱ یعنی در جنوب فرانسه یک فرقه مسیحی به وجود

آمد که کتاب مقدس را به شیوه‌ای روشن و خاص خود تفسیر میکردند و نمی خواستند زیر بار تحمیلها و توجیهات انجیلی پاپ بروند .

تحلیل‌های تاریخی نشان می‌دهد که انگیزهء خشم پاپ و کلیسا برضد مردم آلبی (که خواهیم دید) اختلافات مذهبی و عقیدتی نبود ، بلکه آنها مصمم بودند با اتکاء به اناجیل ، نبرد طبقاتی را علیه ثروت پرستان کلیسائی آغاز کنند .

کشاورزان و توده‌های ستم کشیده " آلبی " با شعار مذهب به مبارزه با پدران روحانی برخاستند . زیرا تصرف غاصبانهء ارضی کلیسا و بطور کلی سلطه مطلق روحانیت مسیحیت از ساکنان آن سلب آزادی کرده و موجب آزار و مزاحمت صنعتگران و بازرگانان آزاد این منطقه شده بود . . . لیکن یوغ کلیسای کاتولیک برگردهء توده‌های کشاورزخرده‌پا و پیشه‌ور ضعیف ، بیشتر سنگینی می‌کرد .

و همین امر باعث شد که مردم آلبی برضد ستمگران کلیسائی طغیان کنند و تقاضای العای مالکیت ارضی تجاوزکارانهء کلیسا و بازگشت آن را به دوران " انجیلی " بنمایند . یعنی دورانی که کلیسا هیچگونه قدرت و نفوذ دنیوی نداشت و روحانیت مسیحیت درحالی‌که با فقر و فاقه بسر می‌برد فقط به تبلیغ احکام انجیل اشتغال داشت . بیگمان چنین درخواستی با مذاق کلیسای طمع‌کار و کینه‌توز کاتولیک خوش نمی‌آمد ، بدینجهت تصمیم گرفت به " وظیفه شرعی خود یعنی نابودی مردم آلبی که بنظرش مرتد و کافر شده بودند " اقدام کند .

درسال (۱۲۵۸ م) پاپ " اینوسان " سوم قوای برای گوشمالی مردم آلبی اعزام داشت . لشکر عظیمی که او برای این منظور تجهیز کرده بود بسوی میدان جنگ ناخت . این جنگ بیست سال تمام طول کشید و منطقه آباد و حاصلخیز آلبی را پس از هزاران کشته به صورت ویرانه‌ای مبدل ساخت .

لشکریان پاپ ، مساوت غیر قابل وصفی از خود نشان دادند مثلا وقتی نماینده او موسوم به " آرنو " که سرداری لشکر را برعهده داشت شهر " بثریه " را گرفت ، فرمان داد که ساکنان شهر را تا آخرین نفر قتل عام کنند ، و چون از او پرسیدند که آیا کودکان و حتی مخالفان یا جیهه باصطلاح " الحاد " را هم بکشند او جواب داد . آری " همه را بکشید خدا بندگان خوب خود را بازخواهد شناخت . " ^۱

این همه جنایات که پدران روحانی و مدعیان دروغین محبت مرتکب شدند به بهانهء دفاع از احکام انجیل بود که پیروان خود را به رحم ، شفقت ، اطاعت و تواضع دعوت می‌کند و (چنانکه گفتیم) دستور می‌دهد " اگر کسی به گونهء راست تو سبلی زد گونه چپ را نیز به طرف او بگیر "

می دانیم که مذهب " پروتستان " (مذهب اعتراض) به رهبری یک مسیحی مخالف سلطه مطلقه پاپ بنام " مارتین لوتر " به وجود آمد . او با بسیاری از آداب و رسوم تحمیلی پاپ از آن جمله با گناه‌بخشی و نیز در آغاز کارش با استنثار توده های مسیحی از جانب کلیسا مخالف بود . وی در طی دورانی نه چندان طولانی ، پیروان فراوانی پیدا کرد . اما کاتولیکها به نام انجیل ، پروتستانها یعنی پیروان لوتر را گردن می زدند ، و چه جنایتها و شقاوتهائی نبود که درباره آن مرتکب می شدند .

هرگز بشریت کشتار وحشیانه‌ای را که در بیست و چهارم اوت سال ۱۵۷۲ میلادی به تحریک کلیسای کاتولیک در پاریس صورت گرفت فراموش نمی کند . این واقعه در تاریخ ، تحت عنوان " شب سن بارتلمی " ضبط شده است .

در آن شب فقط در پاریس بیش از دوهزار تن از پروتستانهای مسیحی که باصطلاح کلیسا " مرتد " شده بودند به بهانه دفاع از مذهب کاتولیک به خاک و خون فروغلتیدند . و تعجب در اینجا است که این عمل وحشیانه و رفتار ددمنشانه ، به رضایت و دستور پاپ و یا رهبری " شارل نهم " پادشاه فرانسه و مادرش ملکه " کاترین دومدیس " صورت گرفت .

رهبر روحانی کاتولیکها ، مضم شد به حزب سیاسی مخالف خود که از فرقه پروتستانها تشکیل می شد ضرب شست سختی نشان دهد نقشه کشتار پروتستانها قبلا کشیده شده بود از روز ۲۴ (یعنی روز پیش از " شب سن بارتلمی) قتل عام وحشیانه در پاریس آغاز گردید و فردای آن روز به فرمان شاه کشتار همکیشان مسیحی در تمام فرانسه ادامه یافت و بالاخره در طی دوهفته حدود ده هزار نفر را طبق دستور پاپ ، رهبر کاتولیکهای جهان سربریدند .

آدمکشان ، به نام انجیل و به بهانه دفاع از انجیل و اجرای اصول واحکام انجیل این جنایات را مرتکب می شدند . پاپ از این تظاهر عظیم و " عشق به هموع " و " احسان " خوشحال شد و فرمان داد تا جهت بزرگداشت چنین نوع دوستی چراغانی کنند و مدالهای افتخار را برای تشویق ماموران آدمکش تهیه نمایند .

او علاوه بر اینها ، نماینده‌ای هم به حضور قاتلان اصلی یعنی " پادشاه مسیحی " فرانسه و مادرش فرستاد تا از ایشان به خاطر جنایاتی که مرتکب شده‌اند تشکر کند .

گفتیم لوتر در آغاز انقلاب و تاسیس مذهب پروتستان مانند همه رهبران دیگر

مسیحیت، سنگ محبت و نودوستی به سینه می‌کوفت. اما همینکه قدرتی پیدا کرد و گروهی از مسیحیان و به دنبال آن، اشراف زادگان و طبقه "بورژوا" نیز به خاطر منافع مادی به وی گرویدند، یکباره روش خود را در دفاع از حقوق مظلوم و تبلیغ محبت مسیحی تغییر داد و به استثمار انسانها و خونریزی خلق رو آورد.

لوتر در ابتدا مدافع سرسخت مردم بود و در مقام مبارزه با ستمگریها و خودکامگیهای کلیسا می‌گفت همان طور که ما راهزنان را با شمشیر و آدمکشان را با طناب دار و "مرتدان" را با آتش کیفر می‌دهیم چرا به این معلمان شوم و خانه خراب کن دینی یعنی پایها، کاردینالها، اسقفها و به همه آن خیل بدکاره رومی با کلیه سلاحها که در اختیار داریم حمله نبریم و دستهای خود را در خون ایشان نشوئیم؟ (بین که پیروان مذهب محبت چه فکراهی در مغز می‌پروراند؟)

در نتیجه توده‌های زجرکشیده و مسیحیانی که پشتشان زیر بیگاری کلیسا خم شده بود قیام کردند و می‌رفت که تار و پود فئودالهای کلیسائی و شاهزادگان اروپائی را برباد دهند، ناگهان لوتر روش خود را در حمایت از ضعفا و نوع دوستی تغییر داد و در مقام حفظ منافع اشراف و امیراطورهای مسیحی درآمد.

لوتر یکبار دیگر تمام تعالیم انجیلی را در زمینه محبت، تواضع و عدم مقاومت از یاد برد (چنانکه در آغاز مبارزه، محبت را با فرمان آدمکشی و دست‌درخون دشمن شستن از یاد نبرده بود) و نعره‌های وحشیانه و جنگ طلبانه برکشید تا مردم را به سرکوبی انقلابیها و قلع و قمع بیرحمانه ایشان تحریک کند.

لوتر فریاد می‌زد که "باید ایشان را سرکوب کرد، خفه نمود و همانگونه که سگان هار را از پا درمی‌آورند ایشان را درنهان و آشکار با خنجر از پا در آورد. بهمین جهت ای اربابان عزیز، من فتوی می‌دهم که پیش بتازید با خنجر بکشید و با طناب خفه کنید اگر شما در این جنگ مقدس از پا درآئید شهید شده‌اید و این نهایت آرزوی شماست. ۵

این است معنی محبت در مذهب مسیحیت که پدران روحانی در تبلیغات جهانی خود از آن دم می‌زنند در حالیکه برای تحکیم موقعیت و جلب منافع بیشتر خویش از هیچگونه خونریزی و بیدادگری دریغ ندارند و تناقض بین گفتار و رفتارشان را آشکارا نشان می‌دهند.

۱- ALBI ۲- درباره مفهوم انجیلیها ص ۱۵۹

۳- درباره مفهوم انجیلیها ص ۱۶۷ ۴- همان مدرک ۵- همان مدرک ص ۱۷۲